

مجاهدین خلق

از شعار آزادی
تا مزدوری و جاسوسی

نویسنده: هادی شبانی

انتشارات

کتاب

سرشناسه: شبانی، هادی، ۱۳۳۸-

عنوان و نام پدیدآور: مجاهدین خلق: از شعار آزادی تا مزدوری و جاسوسی / نویسنده هادی شبانی.

مشخصات نشر: ساری: کلک واژه، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۴۲۵ ص: مصور (سیاه و سفید).

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۴۷۱-۵۹-۶

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: شبانی، هادی، ۱۳۳۸--- خاطرات

موضوع: مجاهدین خلق ایران -- ایدئولوژی

Mojahedin Khalq Iran -- Ideology موضوع:

موضوع: مجاهدین خلق ایران -- اعضا -- خاطرات

Mojahedin Khalq Iran -- Membership -- Diaries موضوع:

رده بندی کنگره: ۱۵۴۲ DSR

رده بندی دیویی: ۸۴۰۴۵۲/۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۵۶۷۵۴۲۷

مجاهدین خلق، از شعار آزادی تا مزدوری و جاسوسی

نویسنده: هادی شبانی

انتشارات: کلک واژه

صفحه آرایي: معصومه امیری

طراح جلد: معصومه امیری

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۴۷۱-۵۹-۶

چاپ اول: ۱۳۹۸

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۹	 مقدمه
۱۳	 سال ۱۳۵۷ آغاز مبارزات مردم ایران برای سرنگونی شاه
۱۶	 رفتن به خدمت سربازی
۲۳	 شروع جنگ در ۳۱ شهریور سال ۵۹
۲۹	 سی خرداد ۶۰ و آغاز مبارزه مسلحانه
۳۵	 امضای قرار داد صلح سازمان با دشمن مردم ایران در جنگ
۳۷	 نحوه وصل شدن به مجاهدین خلق
۳۸	 خروج از کربلا و وصل شدن به مجاهدین خلق
۴۱	 ورود به بیگانه های مجاهدین خلق در پاکستان
۴۳	 ورود به عراق و شروع زندگی جدید در تشکیلات سازمان
۴۶	 شروع آموزش ها ، عملیات چریک شهری
۵۱	 آمدن رجوی از فرانسه به عراق
۵۲	 برنامه تودیع رجوی برای خروج از فرانسه در ۱۷ خرداد سال ۱۳۶۵
۵۵	 راه اندازی قرارگاهی به نام اشرف
۵۸	 رفتن به کشور پاکستان برای انجام مأموریت داخل کشور
۶۶	 رهایی رجوی از اعدام در زندان شاه
۷۲	 اعزام به کشور ترکیه و انجام کار نیرویی
۷۵	 رفتن به عراق در سال ۱۳۶۷
۷۶	 شرکت در عملیات چلچراغ در سال ۶۷
۸۰	 قبول آتش بس از طرف ایران و شروع عملیات فروغ جاویدان
۱۰۲	 روز حرکت و حمله نهایی به سمت ایران
۱۱۱	 نشست جمع بندی عملیات فروغ جاویدان
۱۱۵	 بعد از زخمی شدن در عملیات فروغ جاویدان
۱۲۰	 بازگشت از بیمارستان بغداد و رفتن به قرارگاه اشرف
۱۲۱	 پیشنهاد ازدواج تشکیلاتی
۱۲۳	 در گذشت رهبری انقلاب اسلامی ایران
۱۲۵	 انقلاب درونی یا انقلاب طلاق اجباری

۱۲۸	بندهای انقلاب ایدئولوژیک درونی مجاهدین
۱۲۸	بند الف: انقلاب طلاق
۱۳۴	بند ب: محرمیت ایدئولوژیک
۱۳۷	بند سوم یا بند جیم انقلاب طلاق مریم
۱۴۰	مکتبزه شدن ارتش کاغذی رجوی
۱۴۴	بمباران فرارگاه اشرف
۱۵۳	حذف مردان از دایره قدرت
۱۶۰	بمباران فرارگاه اشرف
۱۶۱	وضعیت بد مستی مردم عراق
۱۶۲	سرکار شدن اعضا و رزم انفرادی
۱۶۳	قرارگاه های سازمان در خارج عراق
۱۷۹	انجام رژه بزرگ ارتش رجوی در اشرف
۱۸۲	عبور از چند لایه بازرسی برای نشستن رجوی
۱۸۴	بند شبن یا شورای رهبری
۱۸۸	انتخاب مریم قجر به عنوان ریاست جمهوری بند ر
۱۹۲	انتقال مریم قجر به فرانسه بعد از رئیس جمهور شدن
۱۹۶	مانور نظامی سازمان به اسم سیمرغ
۱۹۸	بند ف: شکستن فردیت
۲۰۲	نشست های حوض در بغداد
۲۱۲	بازگشت به اشرف و ادامه کار و ولخرجی های سازمان
۲۱۴	بحث های دیگ و دیگچه
۲۲۰	دریافت مایحتاج ارتش رجوی از صدام
۲۲۳	ادامه بندهای انقلاب طلاق مریم قجر
۲۲۷	انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۱۳۷۶
۲۲۹	شروع عملیات های راهگشایی در نوار مرزی ایران
۲۳۴	ترویج فرهنگ لمپنی و منحط اجتماعی در تشکیلات رجوی
۲۳۸	نشست های حوض رجوی برای زنان
۲۴۷	تغییر سازماندهی در تشکیلات
۲۵۴	انقلاب طلاق و بند ل یا زیر مینیمم

۲۵۹	 ۷۷ و مرحله آمادگی برای سرنگونی
۲۶۲	 رفتن به اردن برای خرید کامیون و اتوبوس
۲۶۴	 سلسله نشست های مخوف طعمه در فرارگاه باقرزاده
۲۷۶	 یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ و حرف های رجوی در نشست باقرزاده
۲۷۹	 بحث های تشکیلاتی و ایدئولوژیکی سازمان
۲۹۰	 لبرالسم یا ولنگاری و ولگردی سیاسی و استراتژیک
۳۰۵	 بحث غسل هفتگی
۳۱۱	 تغییر سازماندهی و رفتن به فرارگاه علوی
۳۱۵	 آخرین نشست ، جوی و تهاجم آمریکا به عراق
۳۲۵	 تسلیم ، خلع سلاح و بازگشت به اشرف
۳۲۸	 آغاز مرحله فاز همزیستی با نیروهای نظامی آمریکا
۳۳۰	 گرفتن هویت جدید از طرف ف بی آی
۳۳۱	 انقلاب طلاق مریم و بند مریم با میر جمیل
۳۳۴	 تخلیه فرارگاه علوی و بازگشت به اشرف
۳۳۷	 شیوه کتیف اخاذی از خانواده ها با دروغ
۳۴۱	 دستگیری مریم قجر در فرانسه
۳۴۶	 ورود خانواده ها به اشرف و شروع ریزش نیرو در محاسبات
۳۵۱	 انجام مصاحبه با وزارت خارجه ای آمریکا در اشرف
۳۵۷	 تغییر سازماندهی در اشرف
۳۶۰	 دوسه ی خارج شدن از مجاهدین
۳۶۸	 تصمیم برای رفتن به داخل کشور
۳۷۴	 حضور دوباره در عراق این بار همراه با خانواده ها
۳۷۹	 شیوه های جذب نیرو در اردوگاه های صدام
۳۸۲	 شیوه اطلاع رسانی خبر در فرقه تروریستی رجوی
۳۸۴	 ایجاد زندان و شکنجه نفرات توسط شکنجه گران فرقه رجوی
۴۰۸	 معرفی شکنجه گران فرقه تروریستی رجوی
۴۱۰	 فحاشی های رجوی ملعون علیه خانواده ها
۴۲۳	 سخن آخر

مقدمه

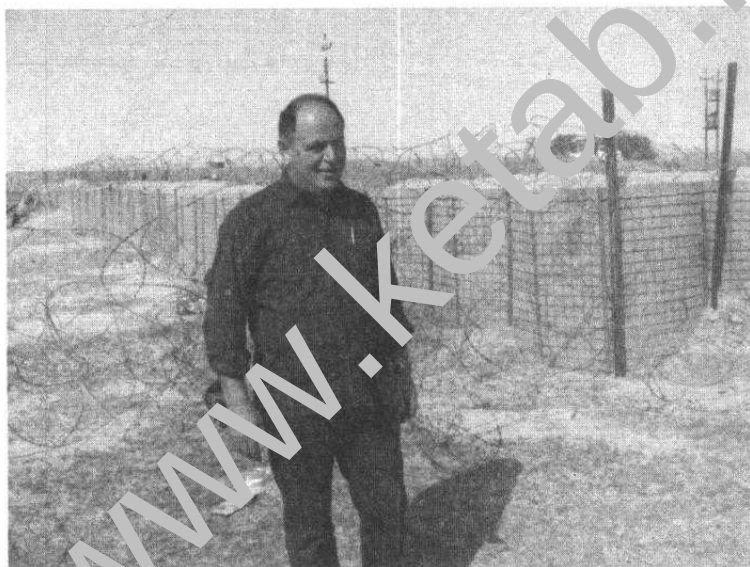
مطالبی که اکنون به رسیده‌اند، بر من می‌آورم فقط برای آگاهی نسل جوانی که گرفتار گروه‌هایی با مضمون‌های مختلف سیاسی می‌شوند می‌باشد. گروه‌هایی که با ظاهری زیبا برای فریب جوانان سعی دارند نسلی را به قربانگاه برده تا رهبران‌شان بتوانند از آن نهایت سوءاستفاده سیاسی را برده و به قدرت برسند. در این مسیر از هیچ گونه جنایت و خیانتی علیه مردم خود کوتاهی نخواهند کرد.

اکنون در عصر آگاهی و اینترنت شاید این مسائل برای همه کمی قابل هضم باشد که آیا می‌توان انسانی را در غار ناآگاهی قرار داد؟ آیا اصلاً امکان این گونه مسائل وجود دارد که فرد از خود تهی گشته و حاضر شود دست به عملیات انتحاری بزند؟ انسان به نقطه‌ای می‌رسد که دیگر از خودش اختیاری نداشته و هر چیزی که رهبری فرقه به او دیکته می‌کند انجام می‌دهد یعنی یک نقطه تهی شدن از خودش.

آیا می‌توان ذهن و مغز فردی را با عنوان بر طمطراق و دهن پر کن آزادی تهی کرد و به جای آن خیانت و جنایت کاشت؟ هزاران سؤال ناتمامی که قصد دارم در این نوشتار به آن پرداخته تا فرد متوجه شود که چگونه اسیر گروه‌های به ظاهر انقلابی می‌شود و مانند

سازمان های مافیایی دیگر راه بازگشتی ندارد و برای رسیدن به رهبری آن فرقه به مرگ می اندیشد و آن را انتهای آرزوهای خود به حساب می آورد.

کتابی که اکنون می خواهم به آن بپردازم راجع به مجاهدین خلق ایران است که به محض پیروزی انقلاب با شعارهای رنگین و زیبای آزادی خواهی پا به میدان سیاست ایران گذاشت و سعی کرد که خیلی سریع علاوه بر خیانت هایش در زمان شاه که بعداً نیز به آن خواهیم پرداخت جای پای در انقلاب مردم ایران باز کند و در نهایت بتواند به قدرت رسیده و سرفیشتی بر روی خیانت هایش بگذارد.



عکس در درون قرارگاه اشرف

البته رجوی با عوامفریبی توانست تا حدودی در این مسیر موفق شود و از ذهن خالی و پاک جوانان آن روز میهن سوء استفاده و تعدادی هوادار جمع کند. این افراد در ذهن فکر می کردند که تنها مجاهدین است که می تواند آنان را به نقطه آمال و آرزوهای شان برساند.

من و بقیه نسل جوان فکر می کردیم که مجاهدین تنها راهی است که می تواند نسل جوان و مردم را به آزادی برساند و در کار مبارزه با امپریالسیم ثابت قدم تر می باشد. فکر می کردیم نیروهایی که از سازمان در زمان شاه کشته شدند می تواند گواه درستی فکر و راه شان باشد.

متأسفانه من هم گول شعارهای دروغین رهبران سازمان را خورده و با احساسات پاک و انقلابی اسیر مجاهدین شدم.

وقتی انقلاب اسلامی ایران پیروز شد ما با انگیزه رهایی مردم مان از کمبود امکانات و به دلیل نداشتن شناخت کافی از رهبران سازمان و عملکردشان در زمان شاه در گرداب آن سازمان گرفتار و بهترین دوران زندگیمان را از دست دادیم.

اکنون اصلاً قصدی مبنی بر تحلیل این گروه از روی نوشته ها و گفته های افرادی که در این باره اظهار نظر نموده اند ندارم بلکه به عنوان کسی که در این جریان به مدت دو دهه با آن سازمان کار کرده و در مناسبات این سازمان بوده ام قصد بررسی عملکرد این سازمان را دارم که چگونه یک فرد می تواند گرفتار این گروه ها شده بدون این که قدرتی برای فکر کردن داشته باشد.

در طی این سالها، من خاص و زیادی به تحلیل این گروه و به خصوص رهبری آن یعنی مسعود رجوی پرداخته ام. آنچه می بایست پدیده ای را شناخت باید به طور کامل به آن اشراف پیدا نمود و اگر این شناخت با زندگی کردن در درون مناسبات آن گروه باشد فرد با اشراف بالاتری می تواند به نقد این گروه بپردازد و گفته های وی بر اساس اسنادی است که خودش در جریان کامل آن بوده است.

وقتی فرد در درون فرقه و یا گروهی به اسم آزادی خراهی فعالیت می کند به خوبی می تواند از طریق تنظیم رابطه و برخورد سازمان با وی و شعارهایی که داده می شود و یا برخورد گروه با مردم کشور خودش به شناخت کاملی از آن گروه برسد؛ البته شاید این در مورد خیلی از گروه ها صادق باشد ولی چیزی که قصد پرداختن به آن را دارم مجاهدین خلق ایران است که اگر کسی وارد مناسباتش بشود دیگر راه بازگشتی برایش متصور نیست.

اوایل انقلاب هنوز هیچ فردی شناخت کاملی از سازمان های مدعی آزادی نداشتند و همه چیز بر اساس گفته هایی بود که مطرح می شد و یا با تبلیغ کردن از کشته های سازمان سعی می نمودند که آینده خوبی برای خود و انتخاب نسل جوان درست کنند تا فرد بتواند جذب آن گروه و یا سازمان شود.